

## **The role of selective competence in managing administrative affairs**

Mohammad mohammadifar<sup>1</sup>

Received Date:4Feb2021

Ali Akbar Gorji Azandaryani<sup>2</sup>

Reception Date:23Apr2021

Abstract:

selective competence is the legal status under which an administrative authority can select the most appropriate of the legally acceptable options. Deviation from the limits of discretionary powers and their abuse occurs when the decision taken is not a legally acceptable option and is not justified by the available evidence or is contrary to the principle of competence, because one of the requirements of competence as a limited concept is to prevent the withdrawal of competence and abuse of authority resulting from it. In some cases, the executive branch sets government regulations. This regulation, which is in line with the better implementation of laws and good administration of affairs, can also restrict the rights and freedoms of citizens. The principle of the hierarchy of norms requires that the approvals of the executive branch follow the supreme norms, namely Sharia, the constitution and ordinary law. Article 138 of the Constitution recognizes the right of the executive to make governmental regulations. The executive branch has the right to enact government regulations to enforce laws and determine their details due to the existence of various specialized and technical organizations, having specialized and experienced people and more communication with the people. These regulations should not be within the competence of the legislature, should not contradict the supreme norms, and should be enacted by the competent authority.

Keywords: competence, Selective competence, Competent Authority, Good Execution of Administrative Affairs, Court of Administrative Justice

---

<sup>1</sup> PhD Student, Department of Public Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran

<sup>2</sup> Associate Professor of Public Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, (responsible author) Email: A\_gorji@sbu.ac.ir

## نقش صلاحیت‌گزینی در تمشیت امور اداری

محمد محمدی فر<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۶/۱۱/۱۳۹۹

علی اکبر گرجی ازندریانی<sup>۲</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۳

### چکیده

صلاحیت‌گزینی در واقع وضعیت حقوقی است که به موجب آن مقام اداری می‌تواند از میان گزینه‌هایی که از نظر قانونی قابل قبول هستند مناسب‌ترین آن‌ها را انتخاب کند. خروج از حدود صلاحیت‌های گزینی و سوءاستفاده از آن‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که تصمیم اتخاذ شده از نظر قانونی گزینه قابل قبولی نباشد و با در نظر گرفتن شواهد موجود قابل توجیه نبوده یا مغایر با اصل قانون‌مداری باشد، چراکه یکی از الزامات قانون‌مداری به عنوان مفهومی محدود کننده، جلوگیری از خروج از صلاحیت و سوء استفاده از اختیارات ناشی از آن است. صلاحیت قوه‌ی مجریه روز به روز در حال افزایش است در همین راستا در مواردی قوه‌ی مجریه اقدام به وضع مقررات دولتی می‌کند. این مقررات گذاری که در راستای اجرای بهتر قوانین و حسن اجرای امور می‌باشد، در عین حال می‌تواند محدود کننده‌ی حقوق و آزادی‌های شهروندان باشد. بدین ترتیب این پژوهش با روش تفسیری و کیفی در پی پاسخ بدین سوال بوده است که ماهیت و حدود صلاحیت‌های اختیاری در حقوق اداری ایران چیست؟ که در مقام پاسخ به سوال مذکور فرضیه اصلی پژوهشگر بر این است که فقدان اصول و معیارهای مناسب برای صلاحیت‌های اختیاری و اعمال آن‌ها در حقوق اداری ایران موجب گستردگی بسیار و ابتنای بیش از اندازه آن‌ها به تشخیص مقام اداری شده است، این امر مغایر با اصل قانون‌مداری است. لذا این مقررات نباید داخل در صلاحیت قوه‌ی مقننه باشد، نباید مغایرتی با هنجارهای برتر داشته باشد و باید توسط مقام صلاحیت‌دار وضع شده باشند.

**واژگان کلیدی:** صلاحیت، صلاحیت‌گزینی، مقام صلاحیت‌دار، حسن اجرای امور اداری،

دیوان عدالت اداری

<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری گروه حقوق عمومی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

<sup>۲</sup>دانشیار حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران، نویسنده مسئول

صلاحیت‌های اختیاری در حقوق اداری دارای جایگاه ویژه‌ای در پیشبرد امور اداره هستند چرا که در تطبیق قانون بر وقایع، بنا به ماهیتی که دارند نقش بسزایی را ایفا می‌کنند. اما از آن جا که اعمال این تأسیس حقوقی در چارچوب حاکمیت قانون، در شرایطی که قانون تمام جوانب امر را بیان نکرده و این اختیار را به اداره محول کرده است، لاجرم در اعمال صلاحیت‌های اختیاری برای پر کردن این خلأ باید به معیارهای قانونی و اصول مدرن حقوق اداری متوسل شد. صلاحیت، وضعیت حقوقی است که به موجب قانون ایجاد می‌شود و وظایف و اختیارات مقام اداری برای انجام اعمال معین از آن ناشی می‌شود. به علاوه احترام به انتظارات مشروع افراد در چگونگی به‌کارگیری این صلاحیت‌ها بسیار مهم است. پرسش اصلی این پژوهش این است که:

- ✓ ماهیت و حدود صلاحیت‌های اختیاری در حقوق اداری ایران چیست؟
- ✓ و پرسش‌هایی که به عنوان پرسش‌های فرعی، در این پژوهش در پی پاسخ گویی به آن‌ها هستیم بدین قرار است: اصول حاکم بر اعمال صلاحیت‌های اختیاری و معیارهای آن در حقوق اداری ایران چیست؟
- ✓ معیارهای نظارت بر اعمال صلاحیت‌های اختیاری در حقوق اداری ایران چیست؟

در مقام پاسخ گویی به پرسش‌های مطرح شده باید گفت در نظام حقوقی کشورمان ابتدای اداره و قاضی اداری بیشتر روی وجه سلبی قانون یا رویکرد خشک و انعطاف ناپذیر بوده و کمتر متوجه بعد ایجابی قانون است. همین امر باعث شده تا شاهد فقدان اصول و معیارهای مناسب برای صلاحیت‌های اختیاری و اعمال آن‌ها در حقوق اداری کشورمان باشیم. گرچه در قوانین و مقررات اجرایی این اصول و معیارها قابل ردیابی هستند و گاه دیوان عدالت اداری به گونه‌ای ضمنی به آن‌ها اشاره نموده است، اما هیچ‌گاه صریحاً آن‌ها را مستند آراء خود قرار نداده است.

در پایان فرضیه اصلی پژوهشگر بر این است که فقدان اصول و معیارهای مناسب برای صلاحیت‌های اختیاری و اعمال آن‌ها در حقوق اداری ایران موجب گستردگی بسیار و ابتدای بیش از اندازه آن‌ها به تشخیص مقام اداری شده است، این امر مغایر با اصل قانون‌مداری است.

فرضیه فرعی که در پاسخ به پرسش فرعی نخست می‌توان بیان نمود این است که اصول حاکم بر صلاحیت‌های اختیاری به صورت صریح یا ضمنی در قوانین و مقررات اجرایی مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است و معیارهای اعمال آن‌ها نیز در رویه قضایی قابل شناسایی است.

فرضیه فرعی دوم که در پاسخ سؤال فرعی دوم می‌توان بیان نمود این است که دیوان عدالت اداری در نظارت خود بر اعمال این صلاحیت‌ها به صورت ضمنی به اصولی که باید حاکم بر

اعمال آن‌ها باشد پرداخته و معیارهای مناسبی برای تشخیص این اصول که از جمله‌ی آن‌ها اصل احترام به انتظارات مشروع است ارائه نکرده است. قصد و چشم انداز این پژوهش بررسی صلاحیت‌های اختیاری، جایگاه صلاحیت‌های اختیاری و اصول حاکم بر آن‌ها در حقوق اداری است. به کمک این پژوهش می‌توان جایگاه صلاحیت‌های اختیاری در حقوق اداری ایران و نحوه اعمال آن‌ها را مورد بررسی قرار داده و از این منظر نقاط ضعف موجود در روند اعمال این تأسیس حقوقی را در حقوق اداری کشورمان شناسایی کنیم. تا بتوان در آینده با ارائه راهکارهای مناسب برای دستیابی به اهداف مورد نظر این تأسیس حقوقی در صدد پر کردن خلأهای موجود در رابطه با اعمال آن بر آمد. در پایان باید توجه داشته باشیم که شناخت صلاحیت‌های اختیاری و کاربرست معیارهای قانونی و اصول مدرن حقوق اداری در اعمان آن‌ها می‌تواند در تحقق حاکمیت قانون و متعاقباً حفظ منافع عمومی و هم چنین حقوق و آزادی‌های افراد بسیار راهگشا باشد و در واقع از اعمال خودسرانه و سلیقه‌ای این مفهوم حقوقی جلوگیری به عمل آورد. در این پژوهش از روش تفسیری-کیفی برای بررسی این مفهوم استفاده خواهد شد که به شرح دیدگاه‌های موجود در این رابطه پرداخته و به تحلیل آن‌ها می‌پردازیم. گردآوری داده‌های پژوهش نیز به روش کتابخانه‌ای و بررسی کتب مرتبط با موضوع، و هم چنین روش مشاهده در ارتباط با اسناد، مدارک، رویه‌ها و کارکرد نظریه‌ها، خواهد بود. از شیوه رایانه‌ای نیز استفاده خواهد شد.

## ۲. مبحث اول: مفهوم صلاحیت در حقوق اداری

صلاحیت مجموع وظایف و اختیاراتی است که به موجب قانون برای انجام اعمال معینی به مقام اداری واگذار می‌شود، بل مرحله اجرای قانون در اداره در چارچوب اصل قانون‌مداری صورت گیرد و مقام اداری در چارچوبی که قانون برای او تعیین کرده به وظیفه خود عمل کند. صلاحیت، در معنای عام اقتدار و در معنای خاص‌تر، تکلیف و اختیاری است که به موجب قانون، برای مرجع یا مقام عمومی جهت انجام عملی خاص تعیین گردیده است. لزوم رعایت صلاحیت‌ها، در یک تحلیل دقیق‌تر، به دلیل طبع نابرابر ساز دارنده آن، یعنی مرجع یا مقام عمومی، نسبت به شهروندان بر می‌گردد. تحت تأثیر همین بنیان فکری است که به عنوان یکی از وجوه برجسته اصل حاکمیت قانون، مقامات عمومی موظف‌اند تنها به اعمالی اقدام نمایند که قانون به صورتی خاص برای آن‌ها تعیین و یا به صورتی غیرمستقیم، انجام آن را تجویز نموده است. در حقوق عمومی اصل بر عدم صلاحیت است. صلاحیت در حقوق عمومی برای حفظ منافع عمومی جامعه اتخاذ شده است، بنابراین هر مأموری را می‌توان در چارچوب‌های معینی به عنوان شرح وظایف محصور نمود، برای حدود صلاحیت و مداخله دولت حد علمی و استدلالی که همیشه ثابت و بر همه احوال صادق باشد وجود ندارد. زیرا مداخله دولت منوط به اوضاع و احوال اجتماعی کشور است و اوضاع اجتماعی امری ثابت نیست تا حدود مداخله

دولت نیز ثابت باشد. با وجود این در هر عصر و زمان حدود حقیقی وجود دارد که به موجب قانون اساسی و اصول عالی‌ه عدالت معین می‌گردد.<sup>۱</sup> مقام اداری باید بر اساس صلاحیتی که قانون برای وی در نظر گرفته اقدام کند. صلاحیت و وظیفه و تکلیف است و مأمور دولت نمی‌تواند به میل خود به آن عمل کند ولی نکند، بلکه او مکلف است در حدودی که قانون مقرر کرده به صلاحیت خود عمل کند.<sup>۲</sup> از مجموعه قواعدی که وظایف و اختیارات زمامداران را تعیین می‌کنند، مفهومی به نام صلاحیت متظاهر می‌شود که در مقابل اهلیت قرار می‌گیرد. در چنین حالتی با توجه به حاکمیت قانون، در حقوق عمومی اصل عدم صلاحیت مقامات اداری به وسیله قانون دقیقاً مشخص شده باشد. این اصل مورد انتظار، نتیجه‌اش آن می‌شود که از خودسری و هواخواهی و زیاده‌طلبی حکام جلوگیری می‌شود.<sup>۳</sup> در واقع مفهوم صلاحیت باید در چارچوب اصل قانونی بودن تحلیل شود. مطابق این اصل مقامات عمومی و اداری در اتخاذ تصمیمات و انجام اقدامات اداری آزاد نیستند. مقامات اداری مکلف به احترام به کلیه قواعدی هستند که بر آن‌ها حکومت دارند. اصل قانونی بودن مبنای تشکیل، اقدام و فعالیت اداره است.<sup>۴</sup> بنابراین اداره مکلف به اعمال صلاحیت خود بر مبنای اصل قانونی بودن است. اختیاراتی که به مقامات و مراجع دولتی داده می‌شود، مشروط به این شرط ضمنی است که به نحو قانونی و در جهت منافع عمومی به کار بسته شود. بنابراین حفظ و رعایت این شرایط، شرط مشروعیت عمل اداری است.<sup>۵</sup> عملی که مقام عمومی انجام می‌دهد باید جزء صلاحیت‌های او و با قصد منطبق بر هدف ایجاد کننده مرجع متبوع مستخدم و استخدام او باشد. هیچ یک از این مقامات مجاز نخواهد بود که حتی با انگیزه انجام آنچه در مقام تحلیل نهایی، بتوان آن را خدمت عمومی یا عمل متضمن نفع عمومی نامید، عملی انجام دهد که مربوط به صلاحیت مقامات عمومی دیگر بوده و یا، دقیق‌تر، از صلاحیت‌های تکلیف یا تشخیصی او، به عنوان یک مقام عمومی، خارج است. در حقوق عمومی اصل بر عدم صلاحیت است مگر اینکه قانون مجوز آن را داده باشد، یعنی این قانون است که تعیین می‌کند که صلاحیت در چه محدوده‌ای، در چه زمانی، در چه مکانی و توسط چه کسی باید اعمال شود. مأمور دولت مکلف است صلاحیت خود را در راستای هدف مقرر شده توسط قانون با رعایت تشریفات اداری و با توجه به علل و

<sup>۱</sup> امیر ارجمند، اردشیر، زرگوش، مشتاق «تقصیر در حقوق مسئولیت مدنی دولت؛ مطالعه تحلیلی - تطبیقی»،

تحقیقات حقوقی، ۱۳۸۸، شماره ۴۹، ص ۹۲

<sup>۲</sup> مؤتمنی طباطبائی، منوچهر، حقوق اداری، تهران، سمت، ۱۳۷۳، ص ۴۲۴

<sup>۳</sup> مصاحبه شونده: هاشمی، سید محمد، «مصاحبه تخصصی حوزه حقوق عمومی، حقوق عمومی»، شماره ۱،

۱۳۸۵، ص ۸

<sup>۴</sup> هداوند، مهدی، مهدی، علی، اصول حقوق اداری (در پرتو آراء دیوان عدالت اداری)، تهران، خرسندی، ۱۳۸۸،

ص ۸۶

<sup>۵</sup> شونبرگ، سورن، انتظاراتی مشروع در حقوق اداری، ترجمه احمد رنجبر، تهران، میزان، ۱۳۸۷، ص ۳۲.

موجبات قانونی اعمال کند. در غیر این صورت تصمیم اتخاذ شده تخطی از صلاحیت یا سوء استفاده از آن محسوب می‌شود. غایت قانون و تصمیمات اتخاذ شده بر مبنای آن توسط مقامات اداری، تأمین کردن منافع عمومی است. تبیین درست صلاحیت اعطایی از طرف قانون به مقام اداری این امکان را فراهم می‌آورد که اداره محدوده اعمال صلاحیت خود را بداند و وظایف تعیین شده توسط قانون را با مدیریت مطلوب انجام دهد، هم چنین از سوء استفاده از صلاحیت و خروج از حدود آن جلوگیری شود.

## ۲-۱- بند اول: انواع صلاحیت‌ها در حقوق اداری

### الف - صلاحیت تکلیفی

در صلاحیت تکلیفی گفته می‌شود، اداره در صورت اجتماع شرایط موظف به اتخاذ تصمیم مطابق متن قانونی دیکته شده است. در این قسم از صلاحیت مقام عمومی و اداری حق انتخاب میان چند گزینه را از دست می‌دهد.<sup>۶</sup> به عنوان مثال اگر شخصی تمامی مراحل مقدماتی اخذ گواهینامه رانندگی را گذرانده باشد، مأمور دولت موظف به صدور این کارت برای وی است. در واقع در صلاحیت تکلیفی تمام جوانب توسط قانون بیان می‌شود و مقام اداری طبق آن چه که قانون دیکته کرده باید عمل کند و از حدود آن تجاوز نکند، چراکه در برابر اوضاع و احوال معین قانون قبلاً نوع عمل و تصمیمی را مأمور دولت باید اتخاذ کند معین کرده و او را در اختیار تصمیم و انتخاب راه‌حل (از بین چند تصمیم و راه‌حل که ممکن است وجود داشته باشد) آزاد نمی‌گذارند.<sup>۷</sup> به بیان دیگر زمانی که تمام شرایط پیش‌بینی شده توسط قانون محقق شود اداره موظف به اتخاذ تصمیمی است که قانون با توجه به آن شرایط معین کرده است و مقام اداری حق ارزیابی و انتخاب ندارد. البته گاهی این از صلاحیت با حداقلی از قدرت ارزیابی همراه است.

### ب) صلاحیت اختیاری

صلاحیت اختیاری در حقوق اداری به معنی اختیاری است که به مقام اداری داده می‌شود، تا بتواند از میان گزینه‌هایی که از نظر قانونی قابل قبول هستند، مناسب‌ترین آن‌ها را انتخاب کند و به طریقی قادر به انطباق قانون بر وقایع شود. اعتبار این نوع از صلاحیت از سوی حاکمیت و توسط قانونگذار به مقام اداری داده شده تا بتواند به وسیله آن در جهت منفعت عمومی و پیشبرد اداره امور گام بردارد. صاحب نظران توافق دارند که صلاحیت اختیاری به این معنی است قانون به مقام اداری این اجازه را می‌دهد تا از میان گزینه‌های متعدد قانونی، با توجه به

<sup>۶</sup> هداوند، مهدی، مشهدی، علی، منبع پیشین، ص ۱۱۲

<sup>۷</sup> مؤتمنی طباطبائی، منوچهر، منبع پیشین، ص ۴۳۵

معیارهای غیرحقوقی (ابتکار عمل مقامات اداری، موجه بودن تصمیم اتخاذ شده، معیار عقلانیت و ...) دست به انتخاب بزند. این انتخاب متضمن برقراری توازن میان منافع عمومی و خصوصی با استفاده از ارزش‌های فراحقوقی در جهت تعیین یک منفعت عام است که به وسیله قوانین موضوعه تعیین نشده است.<sup>۸</sup> در واقع در این نوع از صلاحیت به مقام اداری حق تفسیر، ارزیابی و گزینش داده شده است. اختیار ارزیابی و گزینش مقام اداری یکی از مهم‌ترین مسائل حقوق عمومی کنونی است که باید حدود و ثغور آن با عرابت به صلاحیت اختیاری وی کاملاً مشخص نمود. به عبارت دیگر، از آن جا که هر صلاحیت در حقوق عمومی واجد اختیارها و تکالیفی برای وی است و عدم اعمال اختیارها و تکالیف مسئولیت اداری برای وی ایجاد می‌کند، اختیار ارزیابی و گزینش مقام اداری ناشی از صلاحیت اختیاری وی است. بنابراین، در تعریف اختیار مزبور باید گفت، اختیار ارزیابی و گزینش، اختیاری است ناشی از صلاحیت اختیاری، که به موجب آن مقام اداری در اجرای هنجار حقوقی می‌تواند آن را متناسب با شرایط و اوضاع و احوال اجرا نماید ولی اصلاً اجرا نکند.<sup>۹</sup>

### ج) صلاحیت شبه اختیاری

در این نوع از صلاحیت شرایطی که توسط قانون عنوان شده تمام شرایط برای اتخاذ تصمیم نیست و مقام اداری میزانی از قدرت ارزیابی را داراست. به عنوان مثال به موجب اصل ۱۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی<sup>۱۰</sup> ایران رئیس جمهور می‌تواند نمایندگان ویژه داشته باشد ولی تعیین آن‌ها باید در موارد خاص و در صورت ضرورت با اختیارات مشخص صورت گیرد و این امر به تصویب هیأت وزیران نیز برسد. در واقع در این نوع از صلاحیت قانون چارچوبی کلی را با ذکر بعضی از جزئیات عنوان می‌کند ولی در ادامه این مقام اداری یا اجرایی است که باید با قدرت ارزیابی خود از این اختیار استفاده کند.

### 3. مبحث دوم: رویکرد آیین مدار

طرح نظریه «فرآیندهای اداری»<sup>۱۱</sup> در حقوق اداری مدرن است.<sup>۱۲</sup> اساساً در نظریه فرآیندهای اداری چندین ارزش بنیادین حقوق عمومی در برابر هم قرار می‌گیرند. مصلحت عمومی،

<sup>۸</sup> هداوند، مهدی، مهدی، علی، منبع پیشین، ص ۱۱۳.

<sup>۹</sup> ویژه، محمدرضا، مبانی نظری و ساختار دولت حقوقی، تهران، جنگل، جاودانه، ۱۳۹۰، ص ۲۸۶.

<sup>۱۰</sup> اصل ۱۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: «رئیس جمهور می‌تواند در موارد خاص، بر حسب ضرورت با تصویب هیأت وزیران نماینده، یا نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید در این موارد تصمیمات نماینده یا نمایندگان مذکور در حکم تصمیمات رئیس جمهور و هیأت وزیران خواهد بود».

<sup>۱۱</sup> D.J.Galligan, op.cit, pp.86-99.

<sup>۱۲</sup> طباطبایی مومنی، منوچهر، حقوق اداری، انتشارات سمت، چ پنجم، پاییز ۸۷، ص ۴۱۵.

حقوق و آزادی‌های فردی، ارزش‌های اساسی، منفعت عمومی و خصوصی، الزامات برآمده از دولت مدرن، منافع متضاد گروه‌ها، همه اینها را باید به نوعی با هم، در درون سیاست‌های قوه مجریه آشتی داد؛ جریانی که عموماً در درون قوه مجریه اتفاق می‌افتد. این بحث تحت عنوان رعایت «تشریفات اداری» در کنترل قضایی مشهور است. اساساً هدف از وضع تشریفات اداری نیز حفظ حقوق افراد و جلوگیری از خودسری کارمندان دولت است. گالیکن معتقد است همه این ارزش‌ها و مفاهیم بنیادین حقوق عمومی، نظریه فرایندهای اداری و در نهایت کنترل قضایی آنها را تضمین می‌نمایند.

آیین‌مند نمودن تصمیمات اداری، از طرفی صلاحیت‌های گزینشی را به رسمیت می‌شناسد و از طرف دیگر پایداری دولت را حفظ می‌کند. علاوه بر اینها تناسب معقول بودن و منصفانه بودن، تصمیمات ارکان مختلف قوه مجریه را از طریق کنترل قضایی تضمین می‌نماید. در نهایت این نظریه دغدغه اساسی حقوق عمومی، یعنی «خودسری مقامات اداری» را کاهش می‌دهد و در عین حال موفقیت این نظریه به نحوه عملکرد دولت، نحوه اعمال کنترل قضایی، شناسایی و تعیین معیارهای مشخص فرایندها و محدوده‌های اتخاذ تصمیم، بسیار وابسته است. برای مثال در فرانسه و در قضیه «مولو» شورای دولتی تأکید دارد که مقام اداری باید از آیین خاصی پیروی نماید. در حالی که این آیین را رعایت ننموده و بر اساس یک آیین طولانی اقدام نموده است

#### ۴-مبحث سوم: اصول حاکم بر حقوق اداری

برای شناخت نقش اصول مدرن حقوق اداری در کار بست قانونمند صلاحیت‌های باید ابتدا مفهوم و بنیان‌های شناسایی این اصول را دانست، برای تحقق این امر پاسخ‌گویی به این سؤالات راه‌شا خواهد بود. این که منشأ اصول یاد شده چیست؟ ارزش حقوقی این اصول به چه نحو است؟ کدام یک از این اصول در روند تصمیم‌گیری بر اساس صلاحیت‌های اختیاری حائز اهمیت است و در حقوق اداری ایران چگونه به این اصول پرداخته شده است؟

در بند نخست این گفتار اصول مدرن حقوق اداری را بررسی خواهیم کرد. در بند دوم به بیان اصول کلی حقوق اداری مؤثر در اعمال صحیح صلاحیت‌های اختیاری می‌پردازیم.

#### ۴-۱-بند اول: مفهوم و نقش اصول کلی حقوقی

##### الف) اصول کلی حقوقی

لئون دوگی، از اصول به «بنیادها و هنجارهای حقوقی» تعبیر می‌کند و آن‌ها را اصولی می‌داند که ریشه همه قواعد حقوق قرار گرفته و محصول دو عنصر تعاون اجتماعی و احساس عدالت



می‌باشند.<sup>۱۳</sup> از دیدگاه هایک، به تبعیت از کنستان، متفکر قرن نوزدهم، در نظر داشتن «نظام اصول» برای تضمین اعمال حقوق و آزادی‌ها ضروری است. بدین معنی که همه اعمال حکومت باید بر طبق اصولی صورت پذیرد که مهمترین آن اصل آزادی است.<sup>۱۴</sup>

در این رابطه سؤالی که به ذهن می‌رسد این است که منبع این اصول چیست و اعتبار خود را از کجا می‌گیرند؟

گروهی اعتبار آن‌ها را ناشی از حقوق طبیعی می‌دانند، جامعه‌شناسان وجدان عمومی را سازنده این اصول می‌شمرند، جمعی از قدرت عادت و رسوم سخن می‌گویند، گروه دیگر داوری‌های عقل و احکام انصاف را مبنا قرار می‌دهند، سرانجام دسته‌ای اصول کلی را روح حقوق هر کشور می‌دانند و آن را به اراده قانونگذار متکی می‌سازند.<sup>۱۵</sup>

«اصول حقوقی، اصول کلی و دائمی هستند که منشأ وضع چند قاعده جزئی و نماینده ارزش‌های حقوقی حاکم بر جامعه به شمار می‌آیند». وصف «کلی بودن»، اصول حقوقی را از مسائل جزئی و موردی حقوق متمایز می‌سازد؛ قید «دائمی بودن» اصول را از قواعد حقوقی مبتنی بر متغیرهای اجتماعی جدا می‌کند؛ «منشأ وضع چند قاعده جزئی‌تر» بودن، وصف منبع بودن آن را نشان می‌دهد و بخش آخر تعریف نیز روشن‌گر بار ارزشی اصول حقوقی است.<sup>۱۶</sup>

### ب) اصول کلی حقوق اداری

اصول کلی حقوق اداری قواعد غیر مدون حقوقی هستند که ارزش قانونی دارند و در نتیجه برای اداره در اجرای صلاحیت تخییری‌اش لازم‌الاجرا هستند تا آنجایی که حتی به استثناء برخی از مواد صریح قانونی نمی‌توان آن‌ها را کنار گذاشت، در واقع بنیان‌های حقوقی هستند که هنجارها و قواعد حقوقی از آن‌ها قابل استخراج است. این اصول قدرت الزام‌آوری دارند و زمانیکه مقام اداری در انتخاب از بین چند گزینه که پیش رو دارد مردد است قابل استناد هستند. در واقع این اصول کلی به صورت خام در قوانین افت می‌شوند و وظیفه قاضی اداری است آن‌ها را شناسایی و مورد تأکید قرار دهد.

بزرگ‌ترین نقش اصول کلی حقوق، رام کردن توسنی‌ها و سرکشی قانونگذاری مکانیکی است. چرا که این امکان را به دست می‌دهند که بتوان قوانین را با توجه به واقعیات روز جامعه سازگار کرد «عقل و عدالت حکم می‌کند که متن قانون آزادانه با واقعیات زندگی مدرن سازگار

<sup>۱۳</sup> صادقی، محسن، اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه تهران، میزان، ۱۳۸۴، ص ۲۶.

<sup>۱۴</sup> مرکز مال‌میری، احمد، منبع پیشین، ص ۸۶

<sup>۱۵</sup> کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۹، ص ۶۳۷

<sup>۱۶</sup> صادقی، محسن، منبع پیشین، ص ۴۳

باشد.<sup>۱۷</sup> این اصول وجه ایجابی حاکمیت قانون را تداعی‌گر هستند چرا که باید‌هایی را برای اعمال صلاحیت‌های اختیاری تعریف می‌کنند که در قوانین به آن یا اشاره و یا خیلی کلی بیان شده‌اند. در واقع اصول کلی حقوق اداری قانونی بودن اعمال مستخدمین را تضمین می‌نمایند و تضمین‌گر دولت قانونمدار هستند و جایی که تصریح قانونی وجود ندارد قاضی اداری می‌تواند با تمسک به این اصول اصل حاکمیت قانون را تضمین نماید. تبیین اصول کلی حقوق اداری در سایه قانون اساسی از آن جهت اهمیت دارد که مرزهای اختیارات مقامات اداری و نقش آن را در برابر مردم روشن می‌کند.<sup>۱۸</sup>

#### ۴-۲- بند دوم: اصول کلی حقوق اداری مؤثر در اعمال صلاحیت‌های اختیاری

##### ۱- اصل قانونی بودن:

اختیارات و صلاحیت‌های اداری و خصوصاً صلاحیت‌های تشخیصی صرفاً باید در راستای نیل به هدف یا اهدافی که مطابق قانون به مقام اداری اعطا شده است مورد استفاده قرار گرفته و مغایر با اهداف صلاحیت‌ها و اختیارات تفویضی یا فاقد هدف مورد نظر قانونگذار یا انگیزه منفعت عمومی نباشد.<sup>۱۹</sup> اجرای قانون اساساً در کشورهای دارای جامعه مدنی و افراد تربیت یافته، به وسیله مأموران مکلف و دارای صلاحیت قانونی صورت می‌پذیرد.<sup>۲۰</sup> در واقع مأموران دولتی مطابق این اصل علاوه بر رعایت قوانین و مقررات مکلف به عمل طبق آرای قضایی و هم چنین بخشنامه‌ها و اطلاعات خود هستند.

قانونی بودن تصمیمات اداری در اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران<sup>۲۱</sup> مورد تأکید قرار گرفته است. به موجب این اصل به عنوان مبنای قانون‌مداری تصمیم‌های اداری در قانون

<sup>۱۷</sup> هانری لوی برون، جامعه‌شناسی حقوق، ترجمه ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، تهران، میزان، ۱۳۸۷، ص ۸۴

<sup>۱۸</sup> زارعی، محمد حسین، منبع پیشین، ص ۳۲

<sup>۱۹</sup> هداوند، مهدی و همکاران، آیین‌های تصمیم‌گیری در حقوق اداری، منبع پیشین، ص ۸۵۲

<sup>۲۰</sup> بیاتی، سعید، «امر غیر قانونی»، کانون، شماره ۴، ۱۳۷۶، ص ۹۷

<sup>۲۱</sup> اصل ۱۳۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر مواردی که هیأت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیأت وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع‌یابانه و آیین‌نامه پردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیأت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد.

دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های مشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رییس جمهور لازم‌الاجرا است.

اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نامه، آیین نامه و بخشنامه‌های اداری «نباید با متن و روح قانون مخالف باشد». از این رو می‌توان چنین استنباط کرد که قانون اساسی مفهومی موسع از قانون‌مداری مد نظر دارد؛ زیرا به متن قوانین اکتفا نکرده و مغایرت با «روح و غایت» قوانین را نیز نقض اصل قانون‌مداری بر شمرده است.<sup>۲۲</sup> اعمال این اصل در واقع مبین اصول دیگر نیز هست چراکه سایر اصول در سایه اصل قانونی بودن موجه هستند. در نگرشی کلی می‌توان بین سازگاری قوانین با قانون اساسی و سازگاری اعمال اداری با قوانین ارتباط برقرار نمود، بدین توضیح که اگر انطباق با قوانین را به معنای رابطه مبتنی بر سازگاری مقررات اجرایی با تصمیم‌های مقام‌های فرودین با قانون مصوب قانونگذار باشد، سازگاری با قانون اساسی را تکمیل می‌کند.<sup>۲۳</sup> منابع حقوق که حاوی احکام و الزامات حقوقی لازم‌الاجرا هستند و حدود حق‌ها و آزادی‌ها را معین می‌کنند باید از پیش معین و مشخص بوده و اعلام و احصاء شده باشند و امکان مراجعه به آن‌ها برای عموم وجود داشته باشد، مراجع وضع و صدور قواعد لازم‌الاجرای حقوقی نیز باید با صراحت کامل و بدون هر گونه ابهام، از قبل معین و مشخص شده باشند.<sup>۲۴</sup> این اصل قدرت و اختیارات مقامات عمومی و اداری را چارچوب بندی نموده و رعایت آن از سوی مقامات عمومی و اداری یکی از لوازم تبلور دولت قانونمدار است.<sup>۲۵</sup>

## 2- اصل ممنوعیت سوء استفاده از اختیارات

اصل ممنوعیت سوء استفاده از اختیارات به این واقعیت اشاره دارد که مقامات اداری در اعمال صلاحیت‌های خود نباید در پی اهداف شخصی باشند و به نحوی اقدام به تصمیم‌گیری کنند که منجر به استفاده نامشروع از صلاحیت‌های آن‌ها شود. در واقع مقام عمومی از اختیارات و صلاحیت‌های تخییری خود فقط باید در جهت هدفی که آن اختیارات بنحاطر تحقق آن هدف، به آن‌ها واگذار شده است، استفاده نماید. بکارگیری صلاحیت‌های اختیاری در مسیر اهداف دیگری که مدنظر مقنن نیستند یا در جهت منافع شخصی یا سیاسی یا تحقق یک هدف پنهانی، ممنوع بوده و موجب ابطال تصمیمات متخذه است.<sup>۲۶</sup> سوء استفاده از اختیارات توسط مقامات اداری نتیجه‌ای جزء فساد اداری در پی نخواهد داشت این امر در رابطه با صلاحیت‌های اختیاری که تمام وجوه آن در قانون تعیین نشده نسبت به سایر اقدامات اداری محتمل‌تر است

---

تصویب نامه‌ها و آیین نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیونهای مذکور در این اصل ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رییس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آن‌ها را بر خلاف قوانین بیاید با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران بفرستند»

<sup>۲۲</sup> ویژه، محمدرضا، منبع پیشین، ص ۹۰.

<sup>۲۳</sup> همان ص ۸۷.

<sup>۲۴</sup> هداوند، مهدی و همکاران، پین‌های تصمیم‌گیری، منبع پیشین، ص ۵۷.

<sup>۲۵</sup> هداوند، مهدی، مشهدی، علی، منبع پیشین، ص ۸۵.

<sup>۲۶</sup> هداوند، مهدی و همکاران، آیین‌های تصمیم‌گیری، منبع پیشین، ص ۷۰.

از این رو حقوق اداری باید در راستای تبیین این اصل و پابندی مقامات اداری به آن تمهیدات متناسب را در نظر گیرد و اصول دیگری را که می‌توانند یاریگر این اصل در جلوگیری از خودسری قدرت حاصل اعطای صلاحیت‌های اختیاری باشند در فرآیند اعمال آن‌ها تزیق کند. بانک جهانی در تعریف فساد آن را سوء استفاده از اختیارات دولتی (قدرت عمومی) برای کسب منافع شخصی می‌داند. در جایی دیگر، فساد اداری به تمامی اشکال گوناگون انحراف یا اعمال قدرت شخصی و استفاده نامشروع از مقام و موقعیت شغلی تعریف گردیده است.<sup>۲۷</sup> در این تعریف به طور ضمنی فرض شده است که مجموعه‌ای از قوانین و ضوابط مدرن اداری وجود دارد که چهار چوب فعالیت‌های مجاز اداری را تعیین می‌کنند، آنگاه هر گونه رفتار اداری که مغایر با این قوانین بوده و انگیزه ارتکاب آن انتفاع شخصی باشد فساد اداری تلقی می‌شود. چنین تعریفی از فساد هنگامی جامعیت می‌یابد که قوانین اداری کامل، واضح، عادلانه و فراگیر باشند و ب رأی کلیه فعالیت‌های اداری و دولتی ضوابط دقیقی را معرفی کنند. حقوق تضمین شده برای فرد، فقط بر پایه قوانین عام جایز است نه بر مبنای تصمیمات شخصی. قوانین عام، علاوه بر تعیین حدود آزادی‌ها، در نهادهای انسانی نیز نظم و قاعده برقرار می‌سازند.<sup>۲۸</sup>

اعطای صلاحیت‌های اختیاری به مقامات اداری این قدرت را به آن‌ها می‌دهد که قضایا را در متن و شرایط خاص خویش مطالعه کنند و بنا به آن اقدام به تصمیم‌گیری کنند. در ظاهر این امر کار آسانی به نظر می‌رسد اما در صورت عدم کاربست اصل فوق بستری فراهم می‌شود برای اعمال اختیارات در جهت منافع شخصی و اهداف نامشروع مقامات تصمیم‌گیرنده. البته باید این نکته را مد نظر داشت که عدم کاربست این اصل معادل است با عقیم ماندن سایر اصولی که می‌توان در رابطه با صلاحیت‌های اختیاری به کار برد.

اعمال اصل ممنوعیت سوء استفاده از اختیارات در گرو فراهم آوردن بستری مناسب است که اصل شفافیت می‌تواند به وجود آورنده آن باشد. بر اساس این اصل باید تمام ابعاد تصمیم، مقامات تصمیم‌گیرنده، توجیهات تصمیم‌گیری، محل تأمین اعتبارت به منظور اجرای تصمیم، و سایر عناصر مرتبط با آن، به دور از ابهام و در معرض قضاوت همگانی شکل گیرد. به عنوان مثال ماده ۱۷ قانون مدیریت خدمات کشوری دستگاه‌های اجرائی برای تأمین کالاها و خدمات مورد نیاز باید از طریق مناقصه و با عقد قرارداد با شرکتها و مؤسسات غیردولتی براساس فعالیت مشخص، حجم کار معین، قیمت هر واحد کار و قیمت کل به طور شفاف و مشخص

<sup>۲۷</sup> عباس زادگان، محمد، فساد اداری، تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، ۱۳۸۳، ص ۱۴

<sup>۲۸</sup> نویمان، فرانتس، آزادی و قدرت و قانون، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران، خوارزمی، ۱۳۷۳، ص ۱۳۷

اقدام نمایند.<sup>۲۹</sup> هم چنین می‌توان به ماده ۲۷ قانون مذکور اشاره نمود که شفایت روند تصمیم‌گیری را صراحتاً عنوان کرده است.<sup>۳۰</sup>

### ۳. نتیجه‌گیری

صلاحیت قوه ی مجریه روز به روز در حال افزایش است در همین راستا در مواردی قوه ی مجریه اقدام به وضع مقررات دولتی میکند. این مقرراتگذاری که در راستای اجرای بهتر قوانین و حسن اجرای امور میباشد، در عین حال میتواند محدود کننده ی حقوق و آزادیهای شهروندان باشد. اصل سلسله مراتب هنجارها ایجاب میکند که مصوبات قوه ی مجریه از هنجارهای برتر یعنی شرع، قانون اساسی و قانون عادی تبعیت کند. اصل ۱۳۸ قانون اساسی حق وضع مقررات دولتی را برای قوه ی مجریه شناخته است. قوه ی مجریه به دلیل برخورداری از سازمانهای مختلف تخصصی و فنی، دارا بودن افراد متخصص و با تجربه و ارتباط بیشتر با مردم، حق وضع مقررات دولتی برای اجرای قوانین و تعیین جزئیات آنها را داراست. این مقررات نباید داخل در صلاحیت قوه ی مقننه باشد، نباید مغایرتی با هنجارهای برتر داشته باشد و باید توسط مقام صلاحیتدار وضع شده باشند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای حدود اختیارات بر این مقررات گذاری دولتی سه مرجع حدود اختیاراتی را در نظر گرفته است. ۱- رئیس مجلس شورای اسلامی ( اصول ۸۵ و ۱۳۸ ق.ا). ۲- قضات محاکم (اصل ۱۷۰ ق.ا). ۳- دیوان عدالت اداری (اصل ۱۷۳ و قسمت پایانی اصل ۱۷۰ ق.ا). عبارت آخر اصل ۸۵ بیان میدارد که مصوبات دولت نباید مغایر با قوانین و مقررات عمومی کشور باشد و باید به منظور بررسی و اعلام عدم مغایرت ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس برسد. قسمت آخر اصل ۱۳۸ بیان داشته در صورتی که رئیس مجلس آنها را برخلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران بفرستد. ماده واحدهی قانون نحوه اجرای اصول ۸۵ و ۱۳۸ قانون اساسی به بیان جزئیات این موضوع میپردازد. در تبصرهی این ماده واحده آمده است که در صورت اعلام ایراد از جانب رئیس مجلس مصوبه برای اصلاح یا لغو به هیأت وزیران ارسال میگردد. اگر ظرف مدت مقرر هیأت وزیران اقدام لازم را انجام ندهد مصوبه ی مذکور ملغی الاثر خواهد شد. در راستای انجام این

<sup>۲۹</sup> ماده ۱۷ قانون مدیریت و خدمات کشوری: «به دستگاههای اجرائی اجازه داده می‌شود از طریق مناقصه و با عقد قرارداد با شرکتهای و مؤسسات غیردولتی براساس فعالیت مشخص، حجم کار معین، قیمت هر واحد کار و قیمت کل به طور شفاف و مشخص بخشی از خدمات موردنیاز خود را تأمین نمایند. در صورت عدم مراجعه متقاضیان، اجازه داده می‌شود با رعایت قانون برگزاری مناقصات و تأیید سازمان از طریق ترک تشریفات مناقصه اقدام گردد».

<sup>۳۰</sup> ماده ۲۷ قانون مدیریت خدمات کشوری: «مردم در استفاده از خدمات دستگاههای اجرائی در شرایط مساوی از حقوق یکسان برخوردارند، دستگاههای اجرائی موظفند حداکثر ظرف سه ماه، مراحل، زمان و کیفیت و استاندارد ارائه خدمات و تغییرات آنها را مستند و شفاف نموده و از طرق مختلف به اطلاع مردم برسانند و در صورت بروز هرگونه تخلف، مسؤولین دستگاههای اجرائی مسؤولیت پاسخگویی به مردم و شکایت آنان را به عهده خواهند داشت».

وظیفه‌ی حدود اختیاراتی رئیس مجلس، هیأتی بنام کمیسیون بررسی و تطبیق مصوبات دولت در مجلس تشکیل شد. این هیأت پس از بررسی موضوع نظر نهائی را به رئیس مجلس ابلاغ میکند و حدود اختیارات رئیس مجلس نهایتاً موجب موقوف الاجرا شدن مصوبات مغایر میگردد البته حدود اختیارات کمیسیون جنبه‌ی مشورتی دارد.

رسیدگی به شکایات و اعتراضات از آیین نامه‌ها و سایر مقررات دولتی به علت مغایرت با شرع یا قانون و یا عدم صلاحیت مرجع مربوطه یا سوءاستفاده از اختیارات و خودداری از انجام وظایف که موجب تضییع حقوق اشخاص میشود در صلاحیت هیأت عمومی دیوان است. مصوبه‌ی مورد شکایت باید در دایره‌ی حقوق عمومی و خلاف قانون باشد یعنی شکایت و اعتراض باید مستند به قانون باشد. اصل ۱۷۳ ق.ا. احقاق حقوق مردم را غایت نهائی تأسیس دیوان عدالت اداری دانسته‌اند. البته این نهاد نیز با محدودیتهایی روبه‌رو بوده و از ابتدای تأسیس دیوان صلاحیتهای این دیوان مورد تعرض قرار گرفته است. با گسترش حدود اختیارات رئیس مجلس و قرار دادن آن در موازات حدود اختیارات دیوان تا حدی باعث محدود شدن حدود اختیارات عام دیوان عدالت اداری شده و صلاحیت قوه‌ی قضائیه در صیانت از اصل حاکمیت قانون را نقض کرده است همچنین موجب محدود شدن حق دادخواهی شهروندان به مراجع قضایی به ویژه دیوان عدالت اداری شده است. با توجه به اینکه حدود اختیارات بر حسن اجرای قوانین بر عهده‌ی قوه‌ی قضائیه است و اگذاری این حدود اختیارات به قوه‌ی مزبور با توجیحات بیشتری همراه است. در حدود اختیارات قضایی قاضی بدون اثر پذیری از شرایط و اقتضائات پیرامونی میتواند به حمایت از منافع شهروندان پردازد اما حدود اختیارات رئیس مجلس متأثر از روابط سیاسی قوای مقننه و مجریه است و میتواند موجب وقفه در سرعت اجرای امور شود که این امر خلاف منافع شهروندان است. رسیدگی توسط قضات و تحت آیین دادرسی صورت میگیرد، حکم صادر شده و حق دفاع و تجدید نظر وجود دارد اما در حدود اختیارات رئیس مجلس، شخص رئیس مجلس ذی نفع است و بی طرفی او محل ایراد میباشد. احکام قضایی دیوان بدلیل صدور آنها توسط یک مرجع قضایی لازم الاجرا بوده و دارای ضمانت اجرای بیشتری است. اثر حدود اختیارات دیوان عدالت اداری عمل ابطال است که مفهومی روشن و دارای ضوابط دقیق میباشد. در حالی که در مقابل حدود اختیارات رئیس مجلس از لفظ ملغی الاثر استفاده شده است که مفهومی مبهم دارد. در مقام ابطال مصوبات، معمولاً یک مقام صالح که اغلب مرجع قضایی است حکم به بال اثر شدن آن مصوبه میدهد. با تمام این توضیحات میتوان نتیجه گرفت که اولویت با حدود اختیارات دیوان عدالت اداری میباشد و امید است که با رفع ابهامات قانونی موجود عرصه برای تحقق هر چه بیشتر اصل حاکمیت قانون و حفظ حقوق و آزادی شهروندان فراهم شود.

۱. شیرزاد، امید. ۱۳۹۳. دلایل ابطال مصوبات دولتی در دیوان عدالت اداری. چاپ دوم. تهران: جنگل.
۲. صدر الحفاظی، نصرالله. ۱۳۷۲. حدود اختیارات قضایی بر اعمال دولت در دیوان عدالت اداری. تهران: شهریار.
۳. طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. ۱۳۸۷. حقوق اداری. تهران: سمت.
۴. عباسی، بیژن. ۱۳۸۹. حقوق اداری. چاپ اول. تهران: دادگستر.
۵. قاضی شریعت پناهی، ابولفضل. ۱۳۸۳. حقوق اساسی و نهادهای اساسی. تهران: میزان.
۶. قربانی، فرج اله. ۱۳۸۹. مجموعه آراء وحدت رویه ی دیوان عدالت اداری. تهران: فردوسی.
۷. محمدی همدانی، اصغر. ۱۳۸۸. مجموعه کامل آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری. تهران: جنگل جاودانه.
۸. مرکز تحقیقات شورای نگهبان. ۱۳۸۱. مجموعه نظریات شورای نگهبان تفسیری و مشورتی در خصوص اصول قانون اساسی. چاپ دوم. ویراست اول. تهران.
۹. مدنی، جلال الدین. ۱۳۸۹. حقوق اداری (دیوان عدالت اداری). جلد سوم. تهران: جنگل جاودانه.
۱۰. وسی زاده، رضا. ۱۳۹۲. حقوق اداری ۱-۲ چاپ پانزدهم. تهران: میزان. ۱۲۳.
۱۱. مهرپور، حسین. ۱۳۷۸. مختصر حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: دادگستر.
۱۲. ویژه، محمدرضا. ۱۳۹۰. مبانی نظری و ساختار دولت حقوقی. چاپ اول. تهران: جنگل.
۱۳. رسولی نژاد، سید احمد. ۱۳۹۰. بررسی تطبیقی حدود اختیارات قضایی بر اعمال دولت در حقوق ایران و فرانسه. پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
۱۴. رستمی، ولی و آقایی طوق، مسلم و لطفی، حسن، (۱۳۸۸)، *دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران*، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
۱۵. روناک م. اسمیت، (۱۳۸۸)، *قواعد حقوق بین‌المللی بشر*، ترجمه فاطمه کیهانلو، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۶. شاه حیدری پور، محمدعلی و همتی، مجتبی، (۱۳۸۹)، *شرح اصول رفتار قضایی (بنگلور)*، چاپ نخست، تهران: خرسندی.

۱۷. شمس، عبدالله، (۱۳۸۶)، *آیین دادرسی مدنی*، دوره پیشرفته، جلد نخست، چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات دراک.
۱۸. شمس، عبدالله، (۱۳۸۷)، *آیین دادرسی مدنی*، دوره پیشرفته، جلد دوم، چاپ شانزدهم تهران: انتشارات دراک.
۱۹. قاری سیدفاطمی، سید محمد، (۱۳۸۸)، *حقوق بشر در جهان معاصر*، دفتر دوم: جستارهایی تحلیلی از حق‌ها و آزادی‌ها، تهران: شهردانش.
۲۰. هاشمی، سید محمد، (۱۳۸۴)، *حقوق بشر و آزادی‌های اساسی*، چاپ اول، تهران: نشر دادگستر.
۲۱. فرکمان، آنکه و گریش، توماس، (۱۳۸۸)، *دادگستری در آلمان*، ترجمه محمد صدر توحیدخانه و حمید بهره‌مند بگ نظر، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
۲۲. کاترین الیوت و کاترین ورنون، (۱۳۸۷)، *نظام حقوقی فرانسه*، ترجمه صفر بیک زاده، چاپ اول تهران: انتشارات سمت.
۲۳. مولابیگی، غلامرضا، (۱۳۹۳)، *صلاحیت و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری*، چاپ اول تهران: انتشارات جنگل - جاودانه.
۲۴. متین دفتری، احمد، (۱۳۴۳)، *آیین دادرسی مدنی و بازرگانی*، جلد دوم، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
۲۵. بوشهری، جعفر، (۱۳۷۶)، *حقوق اساسی*، چاپ اول، تهران: انتشارات گنج دانش.
۲۶. همتی، مجتبی، (۱۳۹۳)، *حقوق شهروندی و نسل دوم حقوق بشر*، تهران: انتشارات خرسندی.
۲۷. همتی، مجتبی و شریفی، ارکان، (۱۳۹۳)، *حقوق اداری تطبیقی: ترجمه قانون آیین دادرسی اداری لتونی*، تهران: انتشارات خرسندی.
۲۸. پوراستاد، مجید، (۱۳۸۷)، *اصول و قواعد آیین دادرسی فراملی* (ترجمه)، چاپ اول، تهران: انتشارات شهر دانش.
۲۹. غمامی، مجید و محسنی، حسن، (۱۳۸۲)، *آیین دادرسی مدنی فراملی*، چاپ سوم، تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار.
۳۰. قزوینی نژاد، وحید. ۱۳۹۲ بررسی چالش‌های پاسخگویی قوهی مجریه در مقابل قوه مقننه در نظام حقوقی ایران. دانشگاه سمنان. دانشکده علوم انسانی.
۳۱. محمودی، جواد. ۱۳۸۹ حدود اختیارات قضایی بر مقررات دولتی در انگلستان و فرانسه. پایان نامه ی دکتری دانشگاه شهید بهشتی.

32. Barnhizer, David, (2006), waking from Sustainability's "Impossible Dream": The Decision-Making Realities of Business and Government, Georgetown International Environmental Law Review, Vol. 18, P. 595-691



33. Battini, Stefano, (2006), The Globalization of Public Law, *European Review of Public Law*, Vol. 18, no 1,
34. Bellamy, Richard, (2003), *Sovereignty, Post-Sovereignty and Pre-Sovereignty: Three Models of the State, Democracy and Rights within the EU*, in Neil Walker (ed.), *Sovereignty in Transition* (Oxford: Hart),
35. Berman, Paul Schiff, (2005), From International Law to Law and Globalization, *Columbia Journal of Transnational Law*, P. 485-556.
36. Cassese, S., (2005), the Globalization of Law, *International Law and Policy Journal*, vol. 37, P. 973-993.
37. Economic and Social Affairs (ESA), (2000), Economic Globalization: Trends, Risks and Risk Prevention (21/10/1391), by Shangquan, Gao, available at : [http://www.un.org/en/development/desa/policy/cdp/cdp\\_background\\_papers/bp2001.pdf](http://www.un.org/en/development/desa/policy/cdp/cdp_background_papers/bp2001.pdf).
38. Economic Community of West African States (ECOWAS), (2001), **Protocol on Democracy and Good Governance (21/10/1391)**, available at: <http://www.comm.ecowas.int/sec/en/protocoles/Protocol>.
39. Falk, Richard and Andrew Strauss, 2000, On the Creation of a Global Peoples Assembly: Legitimacy and the Power of Popular Sovereignty, *Stanford Journal of International Law*, no. 36,
40. Farber, J.M., (2004), Justifying Judicial Review: Liberalism and Popular Severity, *Capital University Law Review*, Vol. 32,
41. Franklin, M.(2002) *The Dynamic of Electoral Participations in comparing Democracies* ed L.Le Duc,R.Niemi and P.norris (London and thousand oaks,CA)
42. Hacker.S.Jacob and Pierson,paul (2005) *Off center:The Republican Revolution and the Erosion of American Democracy* (new Haven: yaleuniversity press.
43. Inglehart, Ronald, (1990), *Culture shift in advanced industrial society*; (princeton university press)
44. Inoguchi, T.(2002) *Broadening the Basis of Political Capital in Japan*, in *democracies in Flux:The Evolution of social Capital in contemporary society*ed. R. Putnam(oxford and New york:oxford university press)
45. Knutsen,O.(2001)*Social Class, Sector Employment and Gender As Party Cleavages in the Scandinavian countries, a comporative Longtitudinal Study* (Scandinavian Political studies(24)